

رمضان؛ ماه تمرین ترک گناه

برای نزدیکی به خدا، اصل قضیه، ترک گناهان است. انجام مستحبات و نوافل و توشحات و دعا و بقیه امور، فرع است. اصل قضیه، این است که انسان از صدور گناه و خلاف از خود، مانع بشود. این، همان تقوا را می‌طلبد. تقوا و پرهیز کاری، مهم‌ترین یا بگوییِم اولی‌ترین منظری است که وجود انسان باید داشته باشد. همین است که مانع از گناه انسان می‌شود. گناه نمی‌گذارد که انسان، حتی خود را به لبه دریای عظیم مغفرت الهی برساند و از آن استفاده کند؛ گناه نمی‌گذارد که ما حال دعا و توجه پیدا کنیم. گناه نمی‌گذارد که ما به فکر بازیگری و بازسازی خودمان بیفتیم. کوشش بکنیم از گناه فاصله بگیریم.

لبتسه گناهان مختلفی‌ند؛ گناه‌های گوناگون فردی و اجتماعی، گناه‌هایی که به‌وسیله دست یا چشم یا زبان و از طرق گوناگون حاصل می‌شود. برای افراد مسلمان، شاید گناهان، مخفی نباشد و می‌دانند که چه چیزی گناه است. آن کسی که دعا هم می‌خواند، مستحبات را هم انجام می‌دهد، وظایف شرعی اش را هم انجام می‌دهد؛ اما اگر در کنار آنها، از گناه هم اجتناب ندارد، مثل آن کسی است که در حال سرماخوردگی و تب، هم داروهای را که ضد سرماخوردگی است و شفابخش است، می‌خورد و هم از غذاهایی که برای سرماخوردگی مضّر است، استفاده می‌کند. معلوم است که آن داروها، اثر نخواهد کرد. معلوم است که اگر آدم بیمار، آن غذایی که برای او مضّر است، آن عملی که برای او زیان‌آور است، به آنها ارتکاب نکند، برای او، دارو اثری نخواهد کرد.

باید زمینه استفاده از رحمت و مغفرت و افاضات معنوی الهی را آماده کرد و آن، با ترک گناه است. لذا شما در دعای کمیل می‌بینید که **امیرالمؤمنین(ع)** می‌فرماید: **اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تحبس الذّعاء**. یعنی خدایا! آن گناهانی که دعای مرا حبس خواهد کرد، آنها را بیامرز. گناهان، مانع از اجابت دعا می‌شود. در همین شبها و سحرها، در دعای شریف ابو حمزه می‌خوانید: فرق بینی و بین ذنبی المانع لی من لزوم طاعتک؛ خدایا میان من و گناهم فاصله بینداز؛آن گناهی که مانع از انجام وظایف می‌شود و باعث می‌گردد که نتوانم خودم را به تو نزدیک کنم. اصل قضیه، مسئله ترک گناه است.

اهمیت حفظ فضای سالم در جامعه اسلامی و اجتناب از گناه

مهم‌ترین خسن یک نظام و حکومت اسلامی در این است که فضا در فضای گناه‌آلود نمی‌کند. در نظام‌های ظالم، فضا گناه‌آلود است. اگر انسان هم بخواهد گناه نکند، گویی برای او میسور نیست و همه چیز، انسان را به طرف گناه سوق می‌دهد. در نظام اسلامی، این طور نیست. در نظام اسلامی، فضا گناه‌آلود نیست. گناهکار هست، در سلطوح مختلف و در مشاغل متعدّد هم هست، با اختیارات گوناگون هم هست نه اینکه بیست گناه، ممکن است فقط چای‌بده شوخی داشته باشد؛ یعنی هوی و هوس انسان، او را به طرف گناه بکشاند. این نظام، غیر از نظام طاغوتی و سیستانی است که گناه، معیار پیشرفت اجتماعی هم است؛ در نظام اسلامی، گناه نه فقط معیار پیشرفت نیست، بلکه ضد پیشرفت و معیار تنزل است. گناه، از هر کسی که صادر بشود، ناپدید می‌شود، ناپدید می‌شود، اما گناه را انجام می‌دهد، پس اشکالی ندارد، با لایذ اشکالی ندارد. نه، گناه را بایستی شناخت و گناهکار را به‌وسیله گناه باید شناخت. هر کسی است که از انجام داد، گناهکار است؛ هر که می‌خواهد باشد، این تصور نادر است که ما بگوییم چون فلاّنی این کار را می‌کند، لایذ اشکالی ندارد که می‌کند؛ اگر اشکال داشت، که نمی‌کرد. البته حمل بر صحت، ایرادی ندارد بلکه خوب و مستحسن است. در کار همه مؤمنین، انسان باید حمل بر صحت بکند. آن خلیای که ممکن است، نباید در این‌ها با ما رمضان، آن‌سواله‌ها با تمرین و حدیث نفسی و ریاضت، گناه را از خودمان دور کنیم. اگر گناه از ما دور نشد، آن‌وقت راه برای عروج و پرواز در ملکوت آسمان‌ها ممکن خواهد شد و انسان خواهد توانست آن بصره معنوی و الهی و آن طیران معین‌شده برای انسان را انجام بدهد؛ اما با سنگینی بار گناه، چنین چیزی ممکن نیست. این ماه رمضان، فرصت خوبی برای دور شدن از گناه است.

● **بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز یازدهم ماه رمضان) - ۱۸/ ۰۹/ ۱۳۶۹**

فضیلت بسم‌الله گفتن

عبدالله بن یحیی بر امیرالمؤمنین (ع) وارد شد، عبدالله ۱۰ فر برابر آن حضرت بود، حضرت امر فرمود که بر آن بنشینید؛ عبدالله نشست، چیزی نگذشت که چیزی بر سرش افتاد و سرش شکست و خون جاری شد. حضرت امر فرمود آب آورند و خون سرش را شست‌شو دادند؛ فرمود: نزدیک شو به من؛ آن‌گاه دست بر شکاف سرش گذارد، در حالی که عبدالله سخت بی‌تابی می‌کرد، چرات کشی سر را به دور آورد و بهبود پذیرفت، گویا شکستگی پدید نگشته بود؛ پس از آن فرمود: ای عبدالله! سیاسی خدایی را که گرفتاریها را کفاره گناهان بی‌پروان ما در دنیا قرار داد تا در قرآن برودن حق، کمال‌مانند و سزواراورد مزد و اجر شومند. عبدالله عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! مجازات گناهانی فقط در دنیاست؟ حضرت فرمود: «اری؛ مگر نیندیشای گفته پیامبر (صلی الله علیه و آله) را که فرمود: «الدنیا سجن المؤمن وجنة الکافر. دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.» (بخار الاثور، ج ۶۲ ص ۲۴۲)

خداوند بی‌پروان ما را در دنیا به وسیله مصائب و ناراحتی‌ها و به عفو خود از گناهانتشان پاکیزه گرداند، چنان‌که می‌فرماید: «ما أصابکم من کردة فیما کسبت أیدیکم و یعفو عن کثیر»؛ آنچه مصیبت می‌بینید از خود می‌فرمودید که چه گناهی سبب محنت مجلس شد؛ واین حاده شکستن سر اتفاق افتاد؟، بسیار نیکو بود که دیگر مرتکب نشوم؟ حضرت فرمود: هنگام نشستن، بسم الله گفتنی، این مصیبت، کفاره گناهت کرد؛ بسم الله گفتنی، بسم الله گفتنی، بسم الله گفتنی؛ اگر کسی بخواند که پیامبر از جانب خداوند امر حدیث کرد که خداوند فرماید: هر کاری که در آن بسم الله خواند نمی‌شود، آن کار نامتمام خواهد ماند. (التفسیر المنسوب الی الإمام السکری ، ج ۷، ص ۲۵)

عبدالله عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما! دیگر بسم الله را ترک

نمی‌کنم؛ حضرت فرمود: پس تو سعادتمند خواهی شد؛عبدالله عرض کرد: تقصیر بسم‌الله چیست؟ حضرت فرمود: بنده چون بخواند شروع در کاری کند می‌گوید: بسم الله، یعنی من به نام این اسم، این کار را انجام دهم؛ پس در هر کاری که به بسم الله ابتداء کند آن عمل مبارک خواهد بود.

● **تفسیر البرهان ج ۱، ص ۴۵**
داستان‌هایی از زندگانی حضرت علی (ع)، ص ۲۰۸

در میان اعمال عبادی نماز از اهمیت و ارزش ویژه‌ای برخوردار است.نماز کامل‌ترین و زیباترین شیوه‌پرستش است که در آن، گفتار با کردار گرد می‌آید و اوج پرستش و بندگی را به نمایش می‌گذارد. درهای بهشت بندگی و عبودیت و به تبع آن ربوبیت و خلافت الهی بر روی انسان باز می‌شود و سیر و سلوک عارفانه و عاشقانه بدان انجام می‌گیرد. نویسنده در این مطلب بر آن است تا این نمایش بندگی و برخی از آثار آن را بر اساس آموزه‌های دینی بیان کند.

عبودیت، راز خلافت و پروردگاری انسان

همه هستی، آینه‌ای از جمال و جلال الهی است؛ از این روست که خداوند همه آفریده‌های هستی را به عنوان نشانه‌های خویش معرفی می‌کند.البته از آنجا که انسان دارای تمام اسماء و صفات الهی است(بقره، آیه ۳۱) خود به تنهایی آینه تمام نمای خداوند است به شرط آن که آن صفات و اسم‌های الهی را به فعلیت و ظهور رساند و مظهر آن شود. بر همین اساس در روایات، انسان نسخه اجمالی هستی، و جهان نسخه تفصیلی هستی معرفی شده است؛ این بدان معنا خواهد بود که انسان و جهان به‌ عنوان آینه‌های خداوند در دو کفه برابر ترازو قرار می‌گیرند و با آنکه انسان جزئی از جهان است، ولی به تنهایی با جهان، برابری می‌کند.

انسان به عنوان خلیفه الهی در جهان، آفریده شده است(بقره، آیه ۳۰) ولی تحقق کامل و تمام این خلافت زمانی خواهد بود که همه اسماء و صفات سرشته شده در ذات خود را به فعلیت برساند تا بتواند خلافت کند.

(بقره، آیه ۱۲۸، آل عمران، آیه ۷۹)

خداوند در آیات ۲۸ سوره بقره و ۵۶ سوره ذاریات، راه هدایت الهی را به عنوان راه عبودیت معرفی می‌کند تا انسان از آن راه خدایی شده و بتواند در مقام مظهر رب العالمین به ربوبیت دیگران بپردازد و هر آفریده‌ای را به‌ کامل پایسته و شایسته‌اش برساند؛ به سخن دیگر، خلیفه الهی باید خدایی شود تا دانا به اسرار آفریده‌ها و نیازها و خواسته‌های آنان و توانا به انجام آنها شود؛ و چون این ظرفیت در سرشت انسان وجود دارد، تنها باید آن را با سببی چون عبودیت اظهار نماید و بروز و ظهور دهد.

از همین رو امام صادق(ع) در تبیین حقیقت عبودیت به فضیل می‌فرماید: **الْمُؤَدَّبَةُ وَحُورَةُ كُنْهَهَا الرِّبُوبِيَّةُ فَمَا قَدَّ نَمِ (فی) الْمُؤَدَّبِيَّةِ وَجَدَ فی الرِّبُوبِيَّةِ، وَ مَا خَفِيَ عَنِ الرِّبُوبِيَّةِ أُصِيبَ فی الْعُبُودِيَّةِ؛** بندگی حقیقی جوهره‌ای است که اساس و ذات آن، ربوبیت است، پس آنچه از مقام

عبودیت کم و ناپیدا شُود، در مقام ربوبیت پیدا و هویدا گردد؛ و هر قدراری که از مراتب و صفات ربوبیت مخفی و پوینده‌گشت، در مراحل عبودیت جلوه‌گر و آشکار شود.مصحیح الشریعة، ترجمه مصطفوی، ص ۴۵۳)

پس کسی که عبودیت و اظهار تذلل را در پیشگاه خداوند بر اساس شریعت و هدایت الهی پیشه کند و

بایدصا و پانیده‌های آن را سه‌ جان دل بخرد و مطیع و

تابع محض اسلام باشد که دین اول و آخر پیامبران است(س، آل عمران، آیه ۱۹).
به ربوبیت دست می‌پاید که همان خداوندگاری است منتها خدا نمی‌شود، ولی خدایی می‌شود؛ زیرا صفات و اسم‌ای الهی را در خود ظهور می‌دهد و این‌گونه رنگ خدایی می‌گیرد و متاله

بَصَرَ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَسِنَّاءَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدُهُ الَّتِي يُنَبِّطُ بِهَا وَ رِجْلَهُ الَّتِي تَمْشِي بِهَا إِذَا دَعَانِي أَحْبَبْتَهُ وَ إِذَا سَأَلْتِي أَعْطَيْتُهُ وَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي مَوْتِ الْمُؤْمِنِ يَكْفُرُهُ الْمَوْتُ وَ أَنَا أَكْفَرُهُ سَنَّاءُهُ؛ خداوند متعال می‌فرماید: بندگان می‌توانند با انجام واجبات، خود را نزد من محبوب کنند و هر کس واجبات را انجام دهد نزد من از همگان محبوب‌تر می‌یابد.بنده من می‌خواند، انجام می‌گیرد. نویسنده در این مطلب بر آن است تا این نمایش بندگی و برخی از آثار آن را بر اساس آموزه‌های دینی بیان کند.

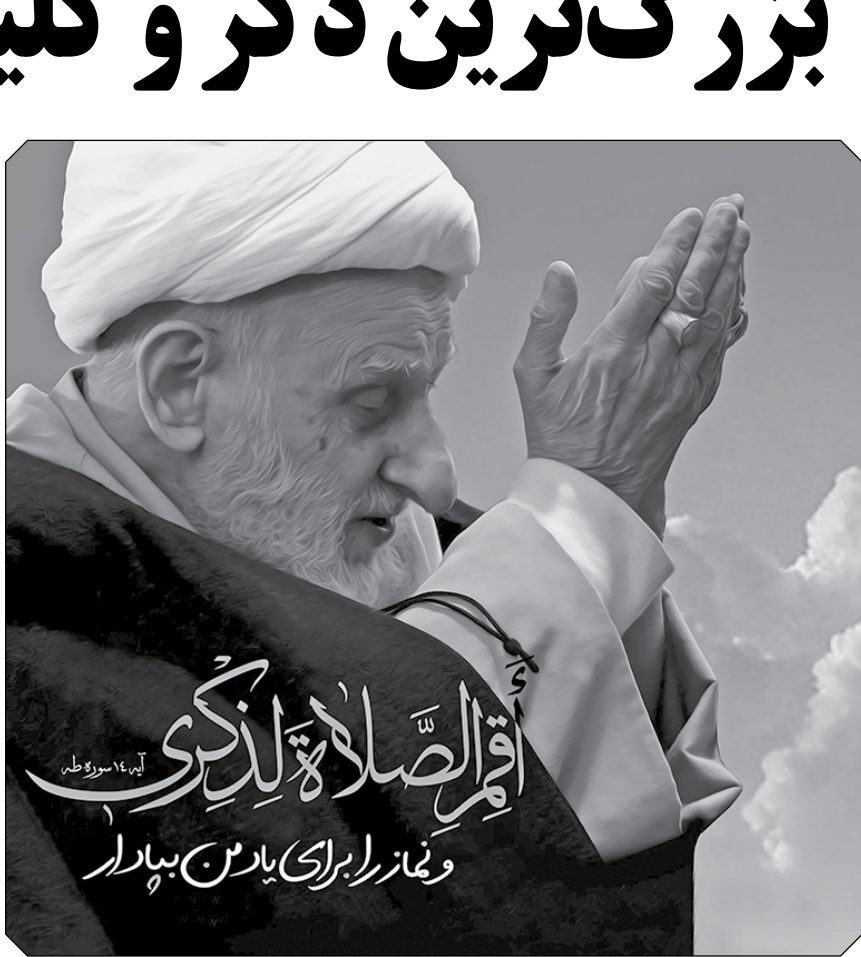
معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) می‌فرماید: دوست‌داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند، نماز اول وقت، سپس نیکی به پدر و مادر و آن‌گاه جهاد در راه خداست.

نماز

بزرگ‌ترین ذکر و کلید عبودیت



من او را محبوب خود قرار دهم در این هنگام گوش او می‌شود و دیدگان او می‌شوم که با آن وسیله آن خواهد دید و زبان او خواهد شد که با آن سخن خواهد گفت. من دست او خواهم شد که به هر جایی که بجزی را برمی‌دارد و پاهایش می‌شوم که به هر جا می‌رود. هر گاه مرا بخواند اجابت می‌کنم و اگر از من چیزی بخواهد عطا می‌کنم و در فیض روح مؤمن همواره مردد هستم، او از مرگ کراهت دارد و من هم نمی‌خواهم

آیات اول، ج ۲۲، ص ۸۲ (بخار الاثور، ج ۶۲، ص ۲۲)

آن حضرت(ص) نماز در اوقات خاص را بسیار محبوب دانسته و بر اساس آیات سوره زمزل و آیات دیگر که مقام محمود را به بنده بشارت می‌دهد می‌فرماید:

امام صادق(ع) می‌فرماید: کسی که دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، باید ببیند آیا نمازش او را از زشتی‌ها و ناپایکی‌ها دور کرده است یا خیر؟ به همان اندازه که دور کرده است، قبول شده است.

الْرُكْعَتَانِ فِي جَسَوفِ اللَّيْلِ، أَحَبُّ إِلَيَّ اللهُ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِیهَا، دو رکعت نماز در دل شب، نزد خدا از دنیا و آنچه در آن است، محبوب‌تر است.(بخار الاثور، ج ۸۷، ص ۱۴۸، ج ۲۳)

البته نماز شب به سبب ویژگی‌های آن آثاری دارد که امام صادق(ع) به عنوان نمونه می‌فرماید: صَلَاةُ اللَّيْلِ تَحْتَسِبُ الْوَجْهَ وَ تَحْتَسِبُ الْعَلْفَ وَ تَطْمِئِنُّ الرِّجْحَ وَ تَدْرَأُ الرِّزْقَ وَ تُقْضَى النَّيْنُ وَ تَذْهَبُ بِهَلْمٍ وَ تَجْلُو الْعَمْرُ، نماز شب انسان را خوش سیماء، خوش اخلاق و خوشبو می‌کند و روزی را زیبا، بدعی را ادا می‌نماید، غم واندوه را از بین می‌برد و چشم را نورانی می‌کند.تواب الأفعال، ص ۴۲)

پیامبر(ص) در تعلیل انتخاب حضرت ابراهیم(ع) به عنوان خلیل خداوند می‌فرماید: مَا أَحْتَجُّ إِلَهِ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِطَاعِمِيهِ الطَّامِ وَ صَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسِ نِيَامٌ؛ خداوند متعال، حضرت ابراهیم را تنها به خاطر غذا دادن (به مردم) و نماز شب خواندنش هنگامی که مردم در خواب بودند، به عنوان دوست خود انتخاب کرد.(علل الشراعی، ج ۱، ص ۳۵، ج ۴)

امام علی(ع)بیز می‌فرماید: لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللهُ مِنْ صَلَاةِ مَنْ جَلَّ - مِنَ الصَّلَاةِ، فَلَا يَسْتَعْلَمُكُمْ عَنْ أَوْثَانِهَا - عَنْ تَمَمِّرِ مَنْ أَوَّلَ الدُّنْيَا؛ هیچ عمل نزد خداوند محبوب‌تر از نماز نیست، پس هر که در دنیا، شکر خدا را می‌نماید، هم در آخرت، شکر خدا را خواهد داشت.

نماز، بزرگ‌ترین ذکر الهه
خداوند عبودیت را شرط وصول به تقوای الهی دانسته (بقره، آیه ۲۱ و ۱۷۹ و ۱۸۳، انعام، آیه ۱۵۳) و تقوای الهی را عامل رسیدن به یقین و علم شهودی و حضوری نسبت به کائنات قرار داده است.(حجر، آیه ۱)

چهار هدف در توسل به معصومان (ع)

آنان واقعا حاملان عرش الهی هستند که مسئولیت تدبیر هستی را در مقام مطهرت در ربوبیت دارا هستند. از این رو در همین سوره مائده از ولایت آنان به عنوان اتمام اکرام و نعمت و دین اسلام سخن به میان آورده است. توسل به معصومان(ع) کارکردهای مهم و اساسی دارد که چهار تای آن مهجور و اساسی‌تر است. در حقیقت، هر کسی که از آنان به عنوان وسایل تقرب الهی بهره می‌گیرد، باید این چهار هدف را در توسل خویش مد نظر قرار دهد تا به کامل پایسته و شایسته اش برسد. این چهار هدف عبارتند از:

۱. **الاستغفار:** پیامبر(ص) و نفوس آن حضرت از اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، از چنان جایگاه بلند رفیع و مرتبتی برخوردارند که طلب استغفار آنان در حق دیگران مستحجاب است؛ بنابراین، اگر کسی بخواند دفع و رفع عذاب کند و به رحمت الهی دست یابد، باید به این سننّ بزرگ الهی تمسک جوید و افزون بر اینکه خود طلب استغفار می‌کند تا درهای رحمت به رویش ظاهر و لایب مطلق الهی هستند و خلافت آنان به طور کامل و مطلق بر همه هستی جاری و ساری است؛ زیرا

توجه می‌دهد که اینان در نمازشان دائمی هستند.
دائم در نماز بودن جز به انجام نماز در اوقات پنج گانه امکان پذیر نیست؛ زیرا حالات آن در نماز بعدی ادامه می‌یابد؛ چنان که در روایتی از پیامبر(ص) آمده است. (تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۳۷، ح ۹۳۸)

خداوند نماز را عامل نجات انسان از زشتی‌ها و منکرات و تقویت تقوای وی معرفی می‌کند. خداوند

در آیه ۲۵ سوره عنکبوت می‌فرماید: نماز را بر پا دار،

توجه می‌دهد که اینان در نمازشان دائمی هستند.
دائم در نماز بودن جز به انجام نماز در اوقات پنج گانه امکان پذیر نیست؛ زیرا حالات آن در نماز بعدی ادامه می‌یابد؛ چنان که در روایتی از پیامبر(ص) آمده است. (تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۳۷، ح ۹۳۸)

خداوند نماز را عامل نجات انسان از زشتی‌ها و منکرات و تقویت تقوای وی معرفی می‌کند. خداوند

در آیه ۲۵ سوره عنکبوت می‌فرماید: نماز را بر پا دار،

پس خداوند نماز را به عنوان ذکر الله و عامل دوری از فحشا و منکرات و کسب تقوای الهی معرفی می‌کند. البته چنان‌که گفته شد مراد خواندن نماز نیست، بلکه اقامه و برپایی نماز است. پس اگر می‌خواهیم بدانیم نماز را برپا کردیم یا نه؟ باید به آثار آن توجه کنیم؛ زیرا خداوند لازمه اقامه نماز را دور شدن از فحشا و منکر می‌داند؛ پس اگر نمازی چنین اثری نداشته باشد، باید در اقامه نماز خودمان شک کنیم.

امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: **مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ يَلَمْ فَعَلِمَ، فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ؟** فِقْدَرُ مَا مَنَعَتْهُ قِيَلَتْ مِنْهُ؛ کسی که دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، باید ببیند آیا نمازش او را از زشتی‌ها و ناپایکی‌ها دور کرده است یا خیر؟ به همان اندازه که دور کرده، قبول شده است. (بخار الاثور، ج ۸۲، ص ۱۹۸)

نماز برای انسان‌های خاضع‌سخت و سنگین نیست، در حالی که برای دیگران باری سنگین است که نمی‌توانند آن را بر قلب و جانشان تحمل کنند. خداوند می‌فرماید: از صبر و نماز استعانت بجویید و به‌راستی که نماز جز بر خاشعین بزرگ و سنگین است.(بقره، آیه ۴۵)

قلبی که به خشوع در برابر خداوند برسد، به طور طبیعی تحت مدیریت و مهار عقل و دین قرار گرفته است، ولی اگر در چنین حالتی نباشد اهل تذلل و عبودیت نیست و مهارش در دست هواهای نفسانی است که او را به بی تقوایی سوق می‌دهد.

نماز به عنوان بزرگ‌ترین ذکر خدا، اگر در اوقات پنج‌گانه اش برپا شود، آثار آن ساق و تدبیر باقی و برقرار است. در این باره پیامبر(ص) با تمثیل زیبایی می‌فرماید: **لَوْ كَانَ عَلَيَّ بَابُ دَارِ أَحَدِكُمْ يُهْتَفَفُ عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ مِنْهُ حَسُنَ مَرَاتًا، أَوْ كَانَ يُبْقِي فِي حَسْنَدِهِ مِنَ الدَّرَنِ سُبِيٍّ؟** قَالَ: لَا. قَالَ: فَإِنَّ مَثَلَ الصَّلَاةِ كَمَثَلِ النَّهْرِ الْجَارِي، كَمَا صَلَّتْ صَلَاةً، كَفَّرَتْ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الذُّنُوبِ؛ اگر بر در خانه یکی از شما، جویوبی بود و هر روز پنج بار خود را در آن می‌شستت، آیا در دین وی جرگی باقی می‌ماند؟ گفتیم: نه. فرمودند: پس برآستی نماز، مانند همان جوی روان است که هر گاه به جا آورده شود، گناهان میان دو نماز را پاک می‌کند.(تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۳۷، ج ۹۳۸)

آن حضرت (ص) همچنین می‌فرماید: **إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى صَلَاتِهِ وَ كَانَ هَوَاهُ وَقَبْلَهُ إِلَهٌ، انصَرَفَ كَيْتُومٌ وَ لَدْنَهُ أَمُهُ،** هر گاه بنده به نماز بایستد و گرایش و دلش به سوی خدا باشد، از نماز فارغ می‌شود همانند روزی که از مادر زاده شده.(جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۷۵)

از همین رو در روایات بر اقامه نماز در اوقات آن تاکید شده است. به عنوان نمونه پیامبر(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: **أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللهُ الصَّلَاةُ لَوْ تَمَّتْ، ثُمَّ بَرَّ الدُّنْيَانِ؛** ثمّ الجَهَانِ فَيَسْبِيلُ اللهِ، دوست‌داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند، نماز اول وقت، سپس نیکی به پدر و مادر و آن‌گاه جهاد در راه خداست.(نهج‌الصفا، ح ۷۰)

آنچه مهم و اساسی است، یادکرد و ذکر دائمی خداست؛ چرا که بنده همواره باید هدف و مقصد و مقصود را در مقابل داشته باشد و اجازه ندهد که نسیان و غفلت او را از هدف دور کند. از همین رو ذکرالله و یاد دائم خداوند باید اصل برای عبودیت قرار گیرد و شکی نیست که نماز به عنوان ذکرالله و یاد دائم خداوند، بهترین وسیله است.

۳. **تزکیه:** تزکیه در لغت از ریشه «زکو» به معنای

رشد درونی و باطنی چیزی است. از نظر قرآن، پیامبر(ص) مأمور به رشد و تزکیه مردم است که البته این تزکیه باید

برایش استغفار کنند و از آثار استغفار آنان بهره مند شود؛ زیرا استغفار پیامبر(ص) غیر از استغفار دیگران است و تاثیر مستقیم و بسیاری دارد.(آل عمران، آیه ۱۵۹، توبه، آیه ۶۲، ص ۱۹)
از نظر قرآن، توسل به معصومان باید برای استغفار باشد و باید آنان را برای این امر وسیله قرار داد؛ زیرا جایگاه شفاعت آنان در دنیا و آخرت موجب می‌شود تا خدا طایبان استغفار را به حکم محبت به معصومان(ع) ببخشد.

۴. **تطهیر:** دومین هدفی که در توسل به معصومان(ع) باید مد نظر قرار گیرد، تطهیر است که به معنای پاکسازی درون و برون از هر گونه پلیدی به‌ویژه انواع شرک خفی و جلی است. با توسل به معصومان(ع) می‌توان به تطهیر این دوستان بافت که به دست آنان انجام می‌شود؛ زیرا آنان خود به خواست الهی به طور کامل و مطلق پاک شده و معصوم از هر گونه پلیدی شده‌اند. که خدا بر پیامبر(ص) و مومنان صلوات می‌فرستد.(احزاب)، آیه ۱۶۴) به هر حال، از نظر قرآن، توسل به اهل بیت(ع) باید برای دستیابی به تزکیه باشد که در اختیار آنان قرار دارد.(توبه، آیه ۱۰۳)

۵. **صلوات:** توسل به معصومان(ع) باید در نهایت برای رسیدن به صلوات خاصه آنان باشد؛ زیرا همان طوری که خدا بر پیامبر(ص) و مومنان صلوات می‌فرستد(احزاب)، آیه ۵۶) همچنین صلوات خاص معصومان(ع) تاثیر بسیار مهمی دارد و انسان را به کمالات می‌رساند که جز با صلوات معصومان(ع) به دست نمی‌آید. بنابراین، اگر کسی بخواهد به کمالات دست یابد، باید به معصومان صلوات جوید تا آنان با عنایت خاص خویش با صلوات بر مومنان آنان را به کمالات عالی برسانند.(توبه، آیه ۱۰۳)

دستیابی به نوعی سکونت که در صلوات است با صلوات معصومان(ع) امکان‌پذیراست نه با چیز دیگر.(همان)

صفحه ۷

یک‌شنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۱

۲۶ شعبان ۱۴۴۴ – شماره ۲۳۲۶۸



چراغ راه

تأثیر یاد مرگ در شتاب به سوی انجام خیرات
قال الامام علی(ع): «من ترقب الموت سارع الی الخیرات».
امام علی(ع) فرمود: هرکس منتظر مرگ را بکشد (به یاد مرگ باشد) در انجام دادن کارهای نیک شتاب می‌ورزد.^(۱)

۱- شرح غرالحکم خوساری، ص ۵، ج ۲۹۵.



حکایت خوبان

نشاط و شکنجه حیات ابدی
پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: هر یک از شما که از دنیا می‌رود، صبح و شام جایگاهش را به او در قیامت عرضه می‌کنند. اگر بهشتی باشد، جایش را در بهشت و اگر جهنمی باشد جایگاهش را در جهنم به او نشان می‌دهند، و به او گفته می‌شود، این جایگاه تو است در قیامت، و همین امر مایه نشاط یا شکنجه عذاب است.^(۱) همچنین امام علی(ع) می‌فرماید: بدانید که شما انسان‌ها برای جاوید ماندن آفریده شده‌اید، نه برای از بین رفتن و نابودی.^(۲)

۱- مجمع‌البیان، به نقل از صحیح بخاری و مسلم، ص ۷
۲- غرالحکم و دررالکم، ص ۱۲۳



پرسش و پاسخ

آثار سازنده اعتقاد به معاد

برپشت:

اعتقاد به معاد از منظر آموزه‌های وحیانی چه تأثیراتی در حیات فردی و اجتماعی انسان می‌گذارد؟

پاسخ:

مفهوم معاد و چگونگی بازآرندگی آن از انحرافات و گناهان

از نظر لغوی معاد از ماده عود به معنی بازگشت و بازگشتن آمده است. در قرآن کریم خداوند بعد از هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه جهت پشگرمی و امیدواری پیامبر(ص) به آینده می‌فرماید: **«الَّذِي عَلِمَ عَلَيْكَ الْفِرَاقَ لِرَأْدِكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»**
همانا کسی که تلاوت و تبلیغ و عمل به قرآن را بر تو واجب کرد، با سربلندی تو را به مکه برمی‌گرداند(قصص- ۵۸)
و در اصطلاح به معنی بازگشت همه انسان‌ها به عالم برزخ و قیامت است تا در آنجا به اعمال آنها رسیدگی شود و هر کسی نمره و پاداش تلاش‌های خود را به طور کامل در آخرت ببیند. چرا که آفرینش انسان و جهان هستی می‌هدف و بیهوده و بوج نیست تا به فنا و نیستی و بوجی پایان پذیرد. از طرفی انسان موجودی جودانه و همیشگی است که از او رسیدگی می‌شود.قرآن کریم توجه ویژه‌ای نیز به معاد دارد تا آنجا که در بیش از ۱۵۰۰ آیه درباره معاد سخن گفته است و همواره به مناسبت‌های مختلف، این اصل از اصول دین را به انسان‌ها تذکر می‌دهد که مبدا آن را فراموش کنند. بی‌تردید اعتقاد و باور یقینی به معاد انسان را از گناه و انحرافات بازمی‌دارد، و حیات طیبه را برای او در این دنیا رقم می‌زند.خداي متعال در قرآن کریم فراموشی معاد و روز حساب را از عوامل گمراهی انسان می‌داند. **«الَّذِينَ يَطْلُونَ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهْمَ عَذَابٍ شَدِيدٍ بِمَا سَمُوا بِيَوْمِ الْحِسَابِ»**
حقیقت کسانی که از راه خدا گمراه می‌شوند، جز بر حساب و از یاد برده‌اند، هدایت سختی ندارند.(۲۶-ص)
جامعه‌ای که تنها علم و آگاهی به معاد داشته باشد ولی آن را باور قلبی نکرده و به مرحله یقین قلبی نرسیده باشد، از انحراف و تعدی مصون نخواهد بود. هنگامی که انسان به چیزی باور و یقین قلبی پیدا کرد، دیگر آن را فراموش نمی‌کند و آثار آن در سلوک و رفتار فردی و اجتماعی او ظهور پیدا می‌کند، و در واقع این باور و یقین به معاد است که از گناهان و انحرافات جلوگیری می‌کند.قرآن کریم می‌فرماید: **«ارَاتِ الَّذِي يَكْتِبُ بِالْيَدَيْنِ فَذَلِكِ النَّوِي الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَالْيَتَامَىٰ عَلَىٰ عِلْمٍ بِمَوَازِينِ الْحَقِّ»**
ای مردوب بی‌اسمان! از روزی که تردیدی در آن همان کسی است که (با کمال بی‌رحمی) بستم را به سستی از خود می‌زند، و افراد را به اطعام بی‌نویان ترغیب نمی‌کند.(ماعون، ۱-۲)

آثار سازنده و تربیتی باور قلبی به معاد

در اینجا برخی از آثار آثار و نتایج تربیتی باور و یقین قلبی به معاد را مطرح می‌کنیم:

۱- **شایستگی رسیدن به مقام ابرار (نیکان):**

قرآن کریم می‌فرماید: **«للس الیر ان تولوا و جوهکم قبل المشرق و المغرب ولکن الیر من امن بالله و الیوم الآخر»**
نیکی (تنها) این نیست که صورت خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب برگردانید، اما انسان است که به خدا و روز و رستاخیز- و ایمان بیاورد (بقره- ۱۷۷)

۲- **پیشگیری از غرور علمی و انحراف اندیشه**

قرآن کریم این غرور را از زبان فرشته‌ها در سخنان در می‌فرماید: **«بنا لاتاغز قولونا بعد از هدیتها و به لبنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب»**
ربنا نکتا جامع الناس لیوم لا یریب فیہ، ان الله لا یخلف الوعیاء»
بزرگوار! ما لهایی ما را بعد از آنکه هدایت کردی (از راه حق) منحرف نگردان و از سوی خود رحمتی بر ما بپوشش زیرا تو بخشنده‌ای. بزرگوار! تو مردم را در روزی که تردیدی در آن نیست جمع خواهی کرد، قطعا خداوند از وعده خود سرپیچی نمی‌کند.

۳- **راهی از غفلت و گریز از آتش جهنم**

قرآن کریم می‌فرماید: **«الَّذین لایروجه لقلنا و رضوا بالحیوة الدنیا و اطمانوا بها و الذین هم عن آیتاتنا غافلون، اولئک ملیوهم النار بما کتوبن یکسبون»**
کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند بر آن تکیه کردند، و کسانی که از آیات ما غافلند (همه) آنها جایگاهشان آتش است، به (کیفر) آنچه به دست می‌آورند (یونس- ۷-۸)

۴- **گرایش به خوبی‌ها و اعمال صالح**

قرآن کریم می‌فرماید: **«فمن کان برحواً لقتله، ربه فیعمل مصلحاً و لایشرک**

بعباده ربه احداً»
کسی هر کس به نفاق پروردگار امید دارد، باید به کارهای شایسته بپردازد، و پس را در عبادت به پروردگار شریک نکند. (کیف- ۱۱۰)

۵- **مقاومت در میدان جهاد**

قرآن کریم می‌فرماید: **«لَلَّذین یظنون انهم مالقوا الله»**
کمن من فتنه قلبیه غلبت علی کثیره بدان، الله و الله مع الصابرن،
کسی که به دیدار خداوند نیکی داشتند گفتند: چه بسا گروهی اندک بر گروهی بسیار که به آن خدا پیروز شدند، و خداوند با صابران و اهل مقاومت است (بقره- ۲۴۹)

۶- **پیشگیری از مفاسد اجتماعی و اقتصادی**

قرآن کریم در سوره مطففین آیات ۱ تا ۶ می‌فرماید: **«وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، خود حق را به طور کامل می‌گیرند، اما هنگامی که**